

## سازهای مؤثر بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی بین خانوارهای روستایی شهرستان کوار در استان فارس

احسان معصومی<sup>۱</sup> و داریوش حیاتی<sup>۲\*</sup>

تاریخ دریافت: ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۱۲ دی ۱۳۹۶

### چکیده

اقتصاد غیرزراعی از مفاهیم جدید ادبیات توسعه روستایی است. مطالعات متعددی به مرور شواهد و نظریه‌ها در جهت ارتقاء مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی پرداخته‌اند. این در حالی است که مطالعات تجربی کافی در این زمینه به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه وجود ندارد. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر، بررسی سازهای مؤثر بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی روستایی در شهرستان کوار در استان فارس بوده است. در این پژوهش که به روش مطالعه اسنادی به اجرا درآمد، تعداد ۲۲۵ خانوار روستایی فعال در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های غیرزراعی، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای جنسیت، درآمد زراعی سالانه خانوار و تعداد افراد مهاجر خانوار به‌طور مثبت و معنی‌داری متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اثر برخورداری از تسهیلات دولتی بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی منفی و معنی‌دار بود. نقش برجسته زنان در فعالیت‌های غیرزراعی بیانگر اهمیت ابعاد اجتماعی و فرهنگی این فعالیت‌ها است. نتایج نشان داد که تسهیلات اثر معنی‌داری بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی ندارد. از این رو، تأکید بر این متغیر برای توسعه فعالیت‌های غیرزراعی ضرورتی ندارد. در پایان بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

**کلمات کلیدی:** اقتصاد غیرزراعی، توسعه روستایی، شهرستان کوار

۱- دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی پایدار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

۲- استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی پایدار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

(\* نویسنده مسئول: hayati@shirazu.ac.ir)

## مقدمه

اقتصاد غیرزراعی همواره به‌عنوان یک مفهوم سنتی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های کم‌بازده مطرح می‌شد (آل‌دین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷)، اما اخیراً این مفهوم به‌عنوان یک بخش مجزای اقتصادی شناخته می‌شود که می‌تواند سهم بسزایی در رشد اقتصادی، اشتغال روستایی و کاهش فقر داشته باشد (هاگبلید<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). اقتصاد غیرزراعی، با اثرگذاری مثبت بر کیفیت زندگی، درآمد و رضایت از زندگی روستاییان، منجر به ماندگاری بیشتر آنان در محل سکونت و جلوگیری از مهاجرت می‌شود (علوی‌زاده و میرلطفی، ۱۳۹۲). این فعالیت‌ها همچنین موجب رشد اقتصادی، ایجاد تنوع و ثبات در اشتغال، پویایی تجارت و گسترش فرصت‌ها برای رشد درآمد می‌شود (اکبری‌ان رونی‌زی و شیخ بیگلو، ۱۳۹۵). آمارها در کشورهای مثل هند، نشان از رشد چندبرابری فعالیت‌های غیرزراعی دارد؛ تا جایی که نرخ میانگین سالانه درآمدهای حاصل از اقتصاد غیرزراعی مشابه با نرخ میانگین سالانه درآمد در سایر بخش‌های اقتصادی از قبیل صنعت و کشاورزی است (بینسوانگر-خیز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). رشد این مفهوم در توسعه روستایی تا جایی است که آفریقا حدود ۳۴ درصد، آسیا ۵۱ درصد و آمریکای لاتین ۴۷ درصد از درآمد روستایی خود را مدیون فعالیت‌های غیرزراعی هستند (هازل و رحمان<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴).

سهم اقتصاد غیرزراعی در اشتغال روستایی، هر روز بیشتر می‌شود (بارت و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). حدود ۴۰ درصد از اشتغال روستایی تمام وقت در آفریقای جنوبی، ۳۰ درصد آسیا و آمریکای لاتین، ۲۰ درصد در آسیای غربی و ۱۰ درصد در آفریقا به فعالیت‌های غیرزراعی اختصاص دارد (هاگبلید و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر بعد اقتصادی و اشتغال، اقتصاد غیرزراعی از سایر جنبه‌های اجتماعی (بارت و همکاران، ۲۰۰۱) و زیست‌محیطی (کاسینی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۲) نیز زیربنایی برای تسهیل توسعه روستایی محسوب می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران، معتقدند که فعالیت‌های غیرزراعی صرفاً دارای کارکرد بازاری نیستند و از نقطه‌نظر مفهیمی مانند مشارکت و ارزش‌های اجتماعی نیز حائز اهمیت هستند (حسین و نلسون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶). اقتصاد غیرزراعی روستایی به‌عنوان تمام فعالیت‌های غیرزراعی تعریف می‌شود که برای خانوارهای روستایی منجر به درآمد می‌شود (دیویس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴).

اقتصاد غیرزراعی از مفاهیم جدید در ادبیات توسعه روستایی است و مطالعه آن به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه بسیار ضروری به نظر می‌رسد (لانجو و لانجو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱). اهمیت این مفهوم در کشورهای درحال توسعه به این خاطر است که امرار معاش اغلب مردم روستایی در این کشورها بر پایه کشاورزی است و عملکرد پایین آن منجر به کاهش درآمد روستاییان می‌شود (هادیزاده بزاز و بوزرجمهری، ۱۳۹۵). با وجود اهمیت ویژه‌ای که صاحب‌نظران مختلف به بررسی ابعاد گوناگون مبحث اقتصاد غیرزراعی می‌دهند (بارت و همکاران، ۲۰۰۱؛ دیویس، ۲۰۰۴)، مطالعات در این

1- Alauddin  
2- Hagblade et al  
3- Binswanger-Mkhize  
4- Hazell and Rahman  
5- Barrett et al  
6- Casini et al  
7- Hussein and Nelson  
8- Davis  
9- Lanjouw and Lanjouw

زمینه کافی نیست. هرچند که مطالعات مروری متعددی ریشه‌های مفهومی و نظری اقتصاد غیرزراعی را مورد بررسی قرار داده‌اند (هاگیلید و همکاران، ۲۰۱۰؛ ریردون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷)، اما جای خالی مطالعات تجربی در این زمینه به شدت احساس می‌شود (دیویس و همکاران، ۲۰۱۰). توسعه فعالیت‌های غیرزراعی روستایی با مشکلات متعددی مواجه است که زیرساخت‌های تحقیقاتی یکی از اصلی‌ترین مشکلات به حساب می‌آید (محمدزاده نصیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از موضوعاتی که در مفهوم اقتصاد غیرزراعی نیاز به بررسی دارد، سازه‌های مؤثر بر توسعه این‌گونه فعالیت‌ها است. متغیرهایی که قابلیت اثرگذاری بر توسعه فعالیت‌های غیرزراعی را دارند در ادبیات موضوع به چشم نمی‌خورند. یکی از دشواری‌های چنین مطالعاتی، سنجش میزان توسعه فعالیت‌های غیرزراعی است. در پژوهش حاضر، تعدد فعالیت‌های غیرزراعی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و منظور از توسعه این فعالیت‌ها، افزایش تعدد آن‌ها است.

از آن‌جا که مطالعات گذشته به‌طور مستقیم به متغیرهای مؤثر بر توسعه فعالیت‌های غیرزراعی اشاره‌ای نداشته‌اند، برای یافتن این سازه‌ها می‌توان به مرور تعابیر مفهومی از سازه‌های بررسی‌شده در مطالعات گذشته پرداخت تا از این طریق به متغیرهای مؤثر بر توسعه فعالیت‌های غیرزراعی دست یافت. هم‌چنین، از بررسی ماهیت این‌گونه فعالیت‌ها نیز می‌توان تعیین‌کننده‌های توسعه فعالیت‌های غیرزراعی را تشخیص داد. به‌عنوان مثال، فعالیت‌های غیرزراعی بیشتر در منزل انجام می‌شود و تا حدودی از فعالیت‌های زراعی تفکیک شده است. چنین ویژگی باعث می‌شود که جنسیت، سازه تأثیرگذاری در توسعه فعالیت‌های زراعی باشد، زیرا زنان روستایی مدیریت منزل و فعالیت‌های آن را بر عهده دارند. اورسول و جانسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) معتقدند زنان علاقه بیشتری به فعالیت‌های غیرزراعی دارند، زیرا به‌وسیله این فعالیت‌ها احساس استقلال بیشتری در منزل می‌کنند. از سازه‌های دیگری که در فعالیت‌های غیرزراعی مورد بحث است به آموزش، تحصیلات و یادگیری مربوط می‌شود. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که روند فعالیت‌های غیرزراعی به‌گونه‌ای متفاوت از فعالیت‌های مرسوم روستایی است و افراد با ویژگی‌های متمایز مانند تحصیلات، ممکن است آمادگی بیشتری برای توسعه چنین فعالیت‌هایی داشته باشند (آلکایر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

بسیاری معتقدند که فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی با هم در تضاد هستند و از این‌رو، فعالیت‌های زراعی مانعی برای فعالیت‌های غیرزراعی محسوب می‌شود (ریردون، ۱۹۹۷). دیویس (۲۰۰۴) معتقد است که بسیاری از فعالان در بخش کشاورزی، از این بخش خارج می‌شوند تا بتوانند از فرصت‌های معیشتی پایدار در بخش غیرزراعی بهره‌مند شوند. به‌عبارت‌دیگر، این افراد، خروج از بخش کشاورزی را برای توسعه فعالیت‌های غیرزراعی ضروری می‌دانند. مطالعه فرانسویس و هودینوت<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) در کنیا نشان می‌دهد که در طول چند دهه، مردم روستایی به دلیل وجود فرصت‌های جذاب در بخش غیرزراعی، سرمایه و نیروی کار خود را به‌سوی این بخش سوق داده‌اند و از فعالیت‌های زراعی دور شده‌اند. این در حالی است که برخی دیگر این دو نوع فعالیت را مکمل یکدیگر می‌دانند و فعالیت‌های زراعی را عامل توسعه فعالیت‌های غیرزراعی معرفی می‌کنند (کاسینی و همکاران، ۲۰۱۲). برای سنجش تأثیر

1- Reardon

2- Eversole and Johnson

3- Alkire et al

4- Francis and Hoddinott

فعالیت‌های زراعی بر اقتصاد غیرزراعی، می‌توان تأثیر درآمد حاصل از فعالیت‌های زراعی بر فعالیت‌های غیرزراعی را مورد بررسی قرار داد. زیرا افرادی که دارای فعالیت‌های زراعی گسترده‌تر هستند و تأکید بیشتری بر این‌گونه فعالیت‌ها دارند، درآمد بیشتری نیز از آن کسب می‌کنند؛ ضمن اینکه فعالیت‌های غیرزراعی نیازمند سرمایه برای شروع هستند (دیویس و همکاران، ۲۰۱۰).

ویگینز<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) فعالیت‌های غیرزراعی و مهاجرت را دو پدیده نوظهور در عصر جدید توسعه روستایی در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین معرفی می‌کند. مهاجرت، مفهومی است که به صورت متداول و مرسوم دارای بار منفی است و همواره مطالعات و تلاش‌های سیاسی به دنبال جلوگیری از ادامه آن بوده‌اند (دی‌هاس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). این در حالی است که برخی از صاحب‌نظران توسعه روستایی، مهاجرت را در صورت اعمال مدیریت صحیح، یک پدیده مثبت ارزیابی می‌کنند و معتقدند این مفهوم علاوه بر پیامدها و آثار منفی قابل کنترل، دارای اثرات مثبت و ارزشمند اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز هست (ریگ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). یکی از آثار و نتایج مثبت مهاجرت را به توسعه فعالیت‌های غیرزراعی نسبت داده‌اند؛ با این توجیه که مهاجران با مهارت‌های فراگرفته شده از شهر، با اعتماد به روستا بازگشته و با اتکا به همین مهارت‌ها و درآمدی که از شهر کسب کرده است، اقدام به راه اندازی کسب‌وکارهای غیرزراعی می‌کنند (ویگینز، ۲۰۱۶). بنابراین، به نظر می‌رسد که وجود افراد مهاجر در یک خانواده روستایی، به توسعه فعالیت‌های غیرزراعی در آن خانواده کمک می‌کند.

بررسی دیویس و همکاران (دیویس و همکاران، ۲۰۱۰) نشان داد که بیشترین تنوع درآمدهای روستایی مربوط به فعالیت‌های غیرزراعی است و برای بهبود وضعیت اشتغال، سرمایه‌گذاری در این بخش بهترین راه است. برخی معتقدند این سرمایه‌گذاری‌ها باید از طریق دولت انجام شود (ویگینز، ۲۰۱۶). حمایت از فعالیت‌های غیرزراعی از سوی دولت، یکی از مباحث مورد تأکید مطالعات مختلف در این زمینه است. برخی معتقدند که دخالت دولت در توسعه چنین فعالیت‌هایی ضروری نیست، این دسته از افراد معتقدند که فعالیت‌های غیرزراعی باید به صورت محلی اداره شوند و دخالت دولت می‌تواند ماهیت این فعالیت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را به سمت تبدیل شدن به کارگاه‌های شهری سوق دهد، بنابراین دولت باید اختیارات را به دولت محلی تفویض کرده و حمایت‌های خود را از این طریق ارائه کند (فان و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). مطالعه ناصری و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که سرمایه‌گذاری دولت منجر به توسعه بخش غیرزراعی روستایی خواهد شد. از این رو، برخورداری از تسهیلات دولتی می‌تواند سازه‌ای مؤثر بر توسعه فعالیت‌های غیرزراعی محسوب شود.

بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه اقتصاد غیرزراعی و تحلیل ابعاد مختلف توسعه فعالیت‌های غیرزراعی، سازه‌های مؤثر بر توسعه تعدد این فعالیت‌ها در این پژوهش شامل جنسیت، تعداد سال‌های تحصیل، درآمد زراعی سالانه خانوار، تعداد افراد مهاجر در خانواده و همچنین برخورداری از تسهیلات دولتی می‌شوند.

1- Wiggins  
2- De Haas  
3- Rigg et al  
4- Fan et al

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از مطالعات اسنادی است. جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای روستایی فعال در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی مختلف تشکیل دادند. برای دسترسی به اطلاعات این خانوارها، پرونده مشاغل خانگی آن‌ها در سازمان جهاد کشاورزی شهرستان کوار مورد مطالعه قرار گرفت. این سازمان در سال‌های اخیر نسبت به جمع‌آوری اطلاعات و تکمیل پرونده مشاغل خانگی روستاهای شهرستان اقدام کرده است. در این پژوهش، پرونده‌هایی مورد ملاحظه قرار گرفتند که در سازمان جهاد کشاورزی شهرستان کوار، به‌عنوان پرونده‌های کامل شده بایگانی شده بودند. از بین ۵۵۰ خانوار، تعداد ۲۲۵ خانوار روستایی فعال در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی مختلف انتخاب شدند. انتخاب این خانوارها بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شد.

شهرستان کوار در قسمت جنوبی استان فارس قرار دارد. بنا به چند دلیل، روستاهای شهرستان کوار برای این پژوهش انتخاب شد: (۱) فعالیت‌های غیرزراعی به‌طور قابل توجهی در روستاهای این شهرستان گسترش یافته است؛ (۲) سازمان جهاد کشاورزی شهرستان کوار از چند سال گذشته اقدام به تشکیل پرونده برای مشاغل غیرزراعی در روستاهای این شهرستان کرده است؛ (۳) مهاجرت یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش است و این پدیده در شهرستان کوار به‌صورت افزایشی مشاهده می‌شود (صداقت‌کیش، ۱۳۸۸)؛ (۴) تسهیلات دولتی به‌عنوان یکی از متغیرهای پژوهش به بخش قابل توجهی از مشاغل غیرزراعی در روستاهای این شهرستان اختصاص یافته است.

اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش، از طریق مطالعه پرونده‌های افراد به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون پواسن از طریق نرم‌افزار SPSS استفاده شد. رگرسیون پواسن بهترین آزمون برای زمانی است که متغیر وابسته یک متغیر شمارشی است (کاکس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹) و دلیل استفاده از این آزمون در پژوهش حاضر، شمارشی بودن تعدد فعالیت‌های غیرزراعی به‌عنوان متغیر وابسته بود.

## نتایج و بحث

میانگین تعدد فعالیت‌های غیرزراعی به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش ۳/۴۵ بود که در بازه ۱ تا ۶ قرار داشت. این متغیر از میانگین نسبتاً بالایی برخوردار است که بیانگر گستردگی فعالیت‌های غیرزراعی در بین افراد است. بر اساس یافته‌ها، ۶۲/۷ درصد از افراد، زن و ۳۷/۳ درصد مرد بودند. این نشان می‌دهد که فعالیت‌های غیرزراعی در روستاهای مورد مطالعه، بیشتر به‌وسیله زنان انجام می‌شود. میانگین تعداد سال‌های تحصیل افراد ۳/۵۲ بود، که بیانگر سطح سواد پایین افراد مشغول به فعالیت‌های غیرزراعی است. نتایج نشان داد که درآمد زراعی سالانه خانوار ۹۹ نفر از افراد، کمتر از پنج میلیون تومان، ۶۶ نفر از افراد بین پنج تا ۱۰ میلیون تومان و ۶۰ نفر از آنان، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان بود. توزیع متعادل افراد در این سه گروه، به بالاتر رفتن دقت اثر درآمد زراعی سالانه خانوار بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی کمک خواهد کرد. تعداد افراد مهاجر در خانواده با میانگین ۲/۱۳ در بازه صفر تا پنج قرار داشت. تعداد برخورداری از تسهیلات دولتی با میانگین ۲/۴۱ در بازه صفر تا پنج نشان داد که افراد به میزان متوسطی از تسهیلات

و اعتبارات دولتی برخوردار هستند. جدول ۱ نشان‌دهنده روابط هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱. ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- جنسیت	۱					
۲- درآمد زراعی سالانه خانوار	$-0.47^{**}$	۱				
۳- تعداد سال‌های تحصیل	$0.20^{**}$	$-0.14^*$	۱			
۴- تعداد افراد مهاجر در خانواده	$-0.59^{**}$	$0.51^{**}$	$-0.02$	۱		
۵- برخورداری از تسهیلات دولتی	$0.61^{**}$	$-0.62^{**}$	$-0.00$	$-0.66^{**}$	۱	
۶- تعدد فعالیت‌های غیرزراعی	$-0.70^{**}$	$0.76^{**}$	$-0.09$	$0.73^{**}$	$-0.78^{**}$	۱

برای متغیر جنسیت و درآمد زراعی سالانه خانوار از آزمون اسپیرمن و برای سایر متغیرها از آزمون پیرسون استفاده شد.

$^{**}P \leq 0.01$   $^*P \leq 0.05$

با توجه به بالا بودن مقادیر هم‌بستگی میان متغیرهای مستقل پژوهش، پدیده هم‌خطی میان پدیده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. جهت کنترل هم‌خطی میان متغیرها، دو شاخص اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از: شاخص‌های آماره تولرانس<sup>۱</sup> و عامل تورم واریانس<sup>۲</sup>. در این پدیده، هرچه مقدار تولرانس بیشتر (نزدیک به عدد یک) باشد، میزان هم‌خطی کمتر است. هرچه میزان عامل تورم واریانس (برابر است با عدد یک تقسیم بر تولرانس) از عدد دو کمتر باشد، هم‌خطی میان پدیده‌ها کمتر خواهد بود (حبیب‌پور گنابی و صفری شالی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، کمترین مقدار تولرانس برابر با  $0.84$  (نزدیک به عدد یک) است و بیشترین مقدار عامل تورم واریانس برابر است با  $1/19$  که فاصله زیادی با عدد دو دارد. بنابراین از طریق این دو شاخص، می‌توان به میزان پایین هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش پی برد.

پس از ورود متغیرهای مستقل به معادله رگرسیون پواسن، برای تعیین معنی‌داری مدل کلی از نسبت درست‌نمایی مربع کای<sup>۳</sup> استفاده می‌شود که این نسبت در پژوهش حاضر عدد  $115/068$  ( $df = 6, p < 0.01$ ) را نشان داد. بنابراین، مدل کلی رگرسیون پواسن در این پژوهش معنی‌دار بوده است. برای تعیین معنی‌داری اثر هر کدام از متغیرهای مستقل (بر مبنای اندازه نمونه) آزمون والد<sup>۴</sup> به کار گرفته شد (لافانتین و لایت<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶). هم‌چنین، ستون نمایی<sup>۶</sup> به تحلیل میزان اثرگذاری هر کدام از متغیرهای مستقل بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی کمک می‌کند. که در جدول (۲) مشاهده می‌شود متغیرهای جنسیت ( $Wald \chi^2 = 6/350, p = 0.012$ )، درآمد زراعی سالانه خانوار ( $Wald \chi^2 = 11/168, p = 0.001$ )، تعداد افراد مهاجر در خانواده ( $Wald \chi^2 = 4/124, p = 0.042$ ) و برخورداری از تسهیلات دولتی ( $Wald \chi^2 = 6/024, p = 0.014$ ) بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی اثرگذار بوده‌اند. این در حالی است که تعداد سال‌های تحصیل ( $Wald \chi^2 = 0/136, p = 0/712$ ) بر متغیر وابسته اثری نداشته است. این یافته

1- Tolerance  
 2- VIF  
 3- Likelihood ratio  $\chi^2$   
 4- Wald test  
 5- Lafontaine and White  
 6- Exponentiated

می‌تواند بیانگر آن باشد که آموزش فعالیت‌های غیرزراعی و یادگیری آن‌ها به ابعاد نظری وابسته نیست و بیشتر جنبه عملیاتی و تجربی دارد.

بر اساس یافته‌ها، جنسیت بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی تأثیر مثبت دارد ( $B=0/385$ ). بر اساس کدگذاری این متغیر، این یافته نشان می‌دهد که زنان به‌طور معنی‌داری در توسعه فعالیت‌های غیرزراعی موفق‌تر بوده‌اند. همچنین، یافته‌های ستون نمایی نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد در متغیر جنسیت، به میزان  $1/329$  واحد به متوسط تعدد فعالیت‌های غیرزراعی افزوده می‌شود. این یافته نشان‌دهنده شدت بالای اثر جنسیت بر متغیر وابسته است. به عبارت دیگر، زن‌ها نسبت به مردان به فعالیت‌های غیرزراعی بیشتری مشغول هستند. یافته‌های توصیفی نیز با نشان دادن فراوانی بالاتر زن‌ها نسبت به مردها (تقریباً دو برابر)، بیانگر رواج بیشتر فعالیت‌های غیرزراعی در بین زن‌ها است. چنین تأثیری با جنس فعالیت‌های مرد و زن در روستا قابل توجیه است. مردان روستاهای شهرستان کوار اغلب به فعالیت‌های زراعی مشغول هستند و زمان کمتری برای فعالیت‌های غیرزراعی دارند. همچنین ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی به گونه‌ای است که این قبیل فعالیت‌ها بیشتر در منزل انجام می‌شود؛ یعنی جایی که زنان روستایی به‌طور مستمر در آن حضور دارند و آمادگی بیشتری برای پذیرفتن مسئولیت این‌گونه فعالیت‌ها را دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی روستایی در حال سوق یافتن به سمت گرایش‌های جنسیتی با محوریت زنان است.

بر اساس یافته‌ها، درآمد زراعی سالانه بر متغیر وابسته اثر مثبت دارد ( $B=0/374$ ). همچنین، ستون نمایی عدد  $0/688$  را برای درآمد زراعی سالانه خانوار نشان می‌دهد. به این معنی که با افزایش یک واحد در درآمد زراعی سالانه خانوار به میزان  $0/688$  واحد به متوسط تعدد فعالیت‌های غیرزراعی افزوده می‌شود. این یافته بیانگر آن است که فعالیت‌های غیرزراعی نیازمند منابع مالی هستند و درآمد حاصل از فعالیت‌های زراعی می‌تواند منبع خوبی برای آن محسوب شود. از آن‌جاکه فعالیت‌های گسترده‌تر زراعی منجر به درآمد بیشتر می‌شود، همین فعالیت‌های زراعی نیز می‌تواند به عنوان پیش‌زمینه‌های فعالیت‌های غیرزراعی قرار گیرند. بسیاری از فعالیت‌های غیرزراعی، نیازمند مواد خامی هستند که از فعالیت‌های زراعی به دست می‌آیند یا در بسیاری از موارد فعالیت‌های غیرزراعی مکمل فعالیت‌های زراعی (مانند فرآوری و یا بسته‌بندی محصولات زراعی) هستند.

مهاجرت از مفاهیم قابل‌بحث در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی است که یافته‌های این پژوهش بیانگر اثر مثبت ( $B=0/059$ ) این متغیر بر متغیر وابسته است. به عبارت دیگر، با افزایش یک واحد در تعداد افراد مهاجر در خانواده،  $1/061$  واحد به متوسط تعدد فعالیت‌های غیرزراعی افزوده می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که افراد مهاجر از جنبه توسعه فعالیت‌های غیرزراعی برای خانواده خود مفید هستند. همان‌گونه که ویگینز (۲۰۱۶) معتقد است مهاجران منافع زیادی برای خانواده‌های خود دارند. این منفعت ممکن است از طریق وجوهات ارسالی مهاجران به خانواده‌های خود رخ دهد. از طرف دیگر، با توجه به این که مهاجران همواره در حال یادگیری در محیط‌های جدید هستند، می‌توانند منبع ایده‌های متنوع در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی باشند. همچنین، آنان می‌توانند بازاریاب و حتی واسطه فروش محصولات غیرزراعی تولیدشده به‌وسیله خانواده خود باشند.

از یافته‌های قابل توجه این پژوهش، اثر منفی برخورداری از تسهیلات دولتی ( $B = -0.084$ ) بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی است. در واقع، به ازای یک واحد افزایش در برخورداری از تسهیلات دولتی،  $0.0919$  واحد کاهش در تعدد فعالیت‌های غیرزراعی رخ می‌دهد. این یافته بیانگر آن است که تسهیلات و اعتبارات دولتی نه تنها به توسعه فعالیت‌های غیرزراعی روستایی کمک نکرده، بلکه از تعدد آن نیز کاسته است. این مسئله ممکن است به این خاطر باشد که روستاییان تسهیلات و اعتبارات دولتی را در راستای فعالیت‌های غیرزراعی هزینه نمی‌کنند؛ بلکه به جای آن در فعالیت‌هایی از این تسهیلات استفاده می‌کنند که با فعالیت‌های غیرزراعی منافات دارد و از آن جلوگیری می‌کند. این تسهیلات حتی ممکن است در جایی مصرف شود که بازدهی اقتصادی لازم را نداشته باشد و بازپس دادن این تسهیلات را با مشکل مواجه کند؛ که در این صورت باز هم به توسعه فعالیت‌های غیرزراعی ضربه خواهد زد. از دیگر دلایل اثر منفی تسهیلات می‌تواند به ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی مربوط باشد. از نظر دیویس و همکاران (۲۰۱۰) نباید یک فعالیت غیرزراعی را بدون حدومرز گسترش داد. زیرا ماهیت این فعالیت‌ها به گونه‌ای است که باید در سطوح کوچک توسعه یابند. از این رو، اختصاص تسهیلات بالا به هر کدام از فعالیت‌های غیرزراعی می‌تواند منفعت آن‌ها را به ضرر تبدیل کند.

جدول ۲. نتایج رگرسیون پواسن برای تعیین تأثیر متغیرهای مستقل بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی

Sig	Wald $\chi^2$	95% CI	EXP	B (SE)	متغیرهای مستقل
۰/۰۱۲	۶/۳۵۰	۱/۰۶۵-۱/۶۵۹	۱/۳۲۹	۰/۳۸۵ (۰/۱۱۳)	جنسیت
۰/۰۰۱	۱۱/۱۶۸	۰/۵۵۲-۰/۸۵۷	۰/۶۸۸	۰/۳۷۴ (۰/۱۱۱)	درآمد زراعی سالانه خانوار
۰/۷۱۲	۰/۱۳۶	۰/۹۶۷-۱/۰۳۶	۱/۰۰۶	۰/۰۰۶ (۰/۰۱۵)	تعداد سال‌های تحصیل
۰/۰۴۲	۴/۱۲۴	۱/۰۰۲-۱/۱۲۴	۱/۰۶۱	۰/۰۵۹ (۰/۰۲۹)	تعداد افراد مهاجر در خانواده
۰/۰۱۴	۶/۰۲۴	۰/۸۵۹-۰/۹۸۳	۰/۹۱۹	- ۰/۰۸۴ (۰/۰۳۴)	برخورداری از تسهیلات دولتی
Likelihood ratio $\chi^2 = 115/068$		df = ۶	Sig = ۰/۰۰۱		

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اقتصاد غیرزراعی از مفاهیم جدید و حائز اهمیت در راستای توسعه روستایی است. در ادبیات اقتصاد غیرزراعی مباحث نظری و کلی این مبحث به چشم می‌خورد و یکی از شکاف‌های موجود در این ادبیات، مطالعات تجربی است. از این رو، مطالعه تجربی عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت‌های غیرزراعی، هدف این پژوهش بود که در میان روستاییان شهرستان کوار به عنوان افراد مشغول به این قبیل فعالیت‌ها انجام شد. یافته‌های این پژوهش به چند طریق به توسعه ادبیات اقتصاد غیرزراعی کمک می‌کند: ۱) پر کردن شکاف موجود در ادبیات اقتصاد غیرزراعی در زمینه مطالعه تجربی؛ ۲) افزودن متغیرهای جدید به عنوان تعیین‌کننده‌های توسعه فعالیت‌های غیرزراعی؛ ۳) بررسی تعدد فعالیت‌های غیرزراعی به جای نگرش افراد مشغول به این فعالیت‌ها.

یافته‌های این پژوهش، نکات حائز اهمیتی را ارائه می‌دهد که باید در برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیت‌های غیرزراعی روستایی مورد توجه قرار گیرد. بر مبنای یافته‌ها، فعالیت‌های غیرزراعی روستایی بیشتر به وسیله زنان انجام می‌شود و هم‌چنین زنان توفیق بیشتری در توسعه این گونه فعالیت‌ها نسبت به مردان داشته‌اند. بر اساس این یافته،



ابعاد فرهنگی فعالیت‌های غیرزراعی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. به عبارت دیگر، توجه به این نکته ضروری است که فعالیت‌های غیرزراعی روستایی در عرف روستاها به یک فعالیت زنانه تبدیل نشود. این یک واقعیت است که مردان وقت بیشتری را نسبت به زنان به فعالیت‌های زراعی اختصاص می‌دهند، اما فعالیت‌های غیرزراعی مغایرتی با فعالیت‌های زراعی ندارند، بلکه مکمل آن‌ها نیز محسوب می‌شوند. همان‌گونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد، افزایش درآمد حاصل از فعالیت‌های زراعی، منجر به توسعه تعدد فعالیت‌های غیرزراعی می‌شود. این یافته در برنامه‌ریزی توسعه روستایی در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی بسیار حائز اهمیت است. به این معنی که توجه بیشتر به مبحث اقتصاد غیرزراعی به معنای کاهش توجه نسبت به اقتصاد زراعی نیست و ضرورتی برای تفکیک افراد شاغل در زمینه‌های زراعی و غیرزراعی وجود ندارد. از طرف دیگر، فعالیت‌های زراعی در روستاها فصل مشخصی دارند و مردان می‌توانند در فصل‌های دیگر، فعالیت‌های غیرزراعی را توسعه دهند. از این رو، سیاست‌ها هم‌زمان با توجه ویژه به زنان روستایی، باید به ابعاد فرهنگی توسعه فعالیت‌های غیرزراعی نیز توجه داشته باشند و طی آن بر توسعه این فعالیت‌ها در بین مردان نیز تمرکز کنند.

بر اساس یافته‌ها، توجه به تحصیلات و سطح سواد بیشتر برای توسعه اقتصاد غیرزراعی روستایی ضرورتی ندارد و برای توسعه چنین فعالیت‌هایی نیازی به تأکید بر سطح تحصیلات افراد نیست. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که به جای تأکید بر یادگیری ابعاد نظری و بهبود تحصیلات افراد به جنبه‌های عملیاتی و کاربردی‌تر فعالیت‌های غیرزراعی توجه شود.

مطالعات تجربی در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی می‌تواند بسیاری از اندیشه‌های نظری و باورهای ذهنی را رد یا تأیید نماید. به عنوان مثال، بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که فعالیت‌های غیرزراعی مانعی برای فعالیت‌های زراعی محسوب می‌شود (ریبردون، ۱۹۹۷). این در حالی است که گروهی دیگر معتقدند این فعالیت‌ها مکمل فعالیت‌های زراعی هستند (کاسینی و همکاران، ۲۰۱۲). یافته‌های این پژوهش به نظر گروه دوم نزدیک‌تر است و نشان می‌دهد که هرچه درآمد حاصل از فعالیت‌های زراعی بیشتر می‌شود، فعالیت‌های غیرزراعی توسعه بیشتری می‌یابند.

این مسئله در رابطه با مفهوم مهاجرت نیز صادق است. این پدیده همواره در ادبیات مربوط به توسعه روستایی، بازتابی از پیامدهای منفی بوده است و دولت‌ها همیشه مقابله با آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند (ویگینز، ۲۰۱۶). این در حالی است که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، مهاجرت به توسعه فعالیت‌های غیرزراعی روستایی و در نتیجه توسعه روستایی کمک کند. از این رو، مهاجرت نیازمند مدیریتی است که طی آن بتوان از مزایای این مفهوم بهره گرفت و از معایب آن جلوگیری کرد (داتا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴).

اثر منفی برخورداری از تسهیلات دولتی بر تعدد فعالیت‌های غیرزراعی نشان‌دهنده آن است که تخصیص اعتبارات به این فعالیت‌ها نیازمند مطالعات دقیق و شناسایی عمیق ماهیت این‌گونه فعالیت‌هاست. به عبارت دیگر، قبل از اختصاص دادن اعتبارات به فعالیت‌های غیرزراعی باید حدود مجاز توسعه این فعالیت‌ها و توان خانوار برای این مهم در

نظر گرفته شود. همچنین، بازار چنین فعالیتهایی از مواردی است که اگر نادیده گرفته شود می‌تواند به اثر منفی تسهیلات و اعتبارات دولتی بر فعالیتهای غیرزراعی منجر شود. از آنجا که تسهیلات دولتی تاکنون به توسعه یک فعالیت غیرزراعی اختصاص می‌یافته است و همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش که اثر منفی این فعالیت‌ها را نشان می‌دهد، پیشنهاد می‌شود که این تسهیلات برای افزایش تعدد و تنوع این فعالیت‌ها تخصیص یابد تا حدود مجاز توسعه هر کدام از فعالیتهای غیرزراعی رعایت شود و از طرفی، این تسهیلات، اثرگذاری مثبت داشته باشند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیتهای غیرزراعی روستایی دشوار است و مؤلفه‌های پیچیده‌ای دارد. درک این مؤلفه‌ها نیازمند مطالعات بیشتر (به‌ویژه از نوع مطالعات تجربی) است تا بر اساس آن، اثرگذاری دقیق هر کدام از متغیرها و شرایط لازم برای تأثیر آن‌ها مشخص شود. از آنجا که مطالعات تجربی در زمینه فعالیتهای غیرزراعی، شکاف ادبیات این موضوع محسوب می‌شود، در مطالعات آینده می‌توان از پژوهش‌های کیفی مانند تئوری زمینه‌ای برای یافتن متغیرهای مؤثر در این زمینه بهره گرفت.

## منابع

- اکبریان رونیزی، س. و شیخ بیگلو، ر. ۱۳۹۵. ظرفیت تحمل توسعه گردشگری روستایی و تدوین برنامه راهبردی روستای قلات (شهرستان شیراز). فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۳(۴): ۴۹۵-۴۸۱.
- حبیب‌پور گتایی، ک. و صفری شالی، ر. ۱۳۹۱. راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی). تهران: انتشارات متفکران.
- صداقت کیش، ج. ۱۳۸۸. کوار زمرد فارس. شیراز: بنیاد فارس شناسی و تخت جمشید.
- علوی‌زاده، س. ا. و میرلطفی، م. ۱۳۹۲. نقش اقتصاد غیرزراعی بر ماندگارسازی روستائیان در مناطق روستایی شهرستان سمیرم. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳(۱۰): ۷۱-۸۲.
- محمدزاده نصیرآبادی، م.، شعبانعلی فمی، ح.، مطیعی. و سنجابی، م. ۱۳۹۵. شناسایی و تحلیل موانع و مشکلات تولید شیر ارگانیک در استان اردبیل. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۴(۱): ۹۱-۱۰۷.
- ناصری، ع.، باسرخ، م.، حسن‌زاده، م. و مسائلی، ا. ۱۳۸۸. بررسی تأثیر هزینه‌های مختلف دولت بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق روستایی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۹(۴): ۴۱-۶۴.
- هادیزاده بزاز، م. و بوزرجمهری، خ. ۱۳۹۵. بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در افزایش توانمندی فنی و اقتصادی کشاورزان مناطق روستایی شهرستان نیشابور. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۳(۴): ۴۴۳-۴۵۹.
- Alauddin, M. 2017. The Rise of Rural Non-farm Sector in Bangladesh: A Distinct Socio-Economic Transformation. *Australian Academy of Accounting and Finance Review*, 2(1): 1-22.

- Alkire, S., Meinzen-Dick, R., Peterman, A., Quisumbing, A., Seymour, G. and Vaa, A. 2012. *The Women's Empowerment in Agriculture Index*. IFPRI Discussion Paper. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Barrett, C. B., Reardon, T. and Webb, P. 2001. Nonfarm income diversification and household livelihood strategies in rural Africa: concepts, dynamics, and policy implications. *Food policy*, 26(4): 315-331.
- Binswanger-Mkhize, H. P. 2012. India 1960-2010: Structural Change, the Rural Non-farm Sector, and the Prospects for Agriculture. In Berkeley, California: Department of Agricultural and Resource Economics, University of California, Berkeley. Available at <http://are.berkeley.edu/documents/seminar/Binswanger>. May.
- Casini, L., Contini, C. and Romano, C. 2012. Paths to developing multifunctional agriculture: insights for rural development policies. *International journal of agricultural resources, governance and ecology*, 9(3-4): 185-203.
- Coxe, S., West, S. G. and Aiken, L. S. 2009. The analysis of count data: A gentle introduction to Poisson regression and its alternatives. *Journal of personality assessment*, 91(2): 121-136.
- Datta, A., Rodgers, G., Rodgers, J. and Singh, B. 2014. Contrasts in development in Bihar: A tale of two villages. *The Journal of Development Studies*, 50(9): 1197-1208.
- Davis, B., Winters, P., Carletto, G., Covarrubias, K., Quiñones, E. J., Zezza, A. ... and DiGiuseppe, S. 2010. A cross-country comparison of rural income generating activities. *World Development*, 38(1): 48-63.
- Davis, J. 2004. *The Rural Non-Farm Economy, Livelihoods and their Diversification: Issues and Options*, Natural Resource Institute, Chatham, UK.
- De Haas, H. 2014. What drives human migration. *Migration: A COMPAS Anthology*. Oxford, UK: International Migration Institute.
- Eversole, R. and Johnson, M. 2014. Migrant remittances and household development: an anthropological analysis. *Development Studies Research. An Open Access Journal*, 1(1): 1-15.]
- Fan, S., Hazell, P. and Thorat, S. 2000. Government spending, growth and poverty in rural India. *American Journal of Agricultural Economics*, 82(4): 1038-1051.
- Francis, E. and Hoddinott, J. 1993. Migration and differentiation in western Kenya: A tale of two sub-locations. *The Journal of Development Studies*, 30(1): 115-145.
- Haggblade, S., Hazell, P. and Reardon, T. 2010. The rural non-farm economy: Prospects for growth and poverty reduction. *World Development*, 38(10): 1429-1441.
- Hazell, P. B. and Rahman, A. 2014. *New directions for smallholder agriculture*. OUP Oxford.

- Hussein, K. and Nelson, J. 2016. *Sustainable livelihoods and livelihood diversification*. IDS working paper 69. Brighton, UK.
- Lafontaine, F. and White, K. J. 1986. Obtaining any Wald statistic you want. *Economics Letters*, 21(1): 35-40.
- Lanjouw, J. O. and Lanjouw, P. 2001. The rural non-farm sector: issues and evidence from developing countries. *Agricultural economics*, 26(1): 1-23.
- Reardon, T. 1997. Using evidence of household income diversification to inform study of the rural nonfarm labor market in Africa. *World development*, 25(5): 735-747.
- Rigg, J., Salamanca, A. and Parnwell, M. 2012. Joining the dots of agrarian change in Asia: A 25 year view from Thailand. *World Development*, 40(7): 1469-1481.
- Wiggins, S. 2016. *Agricultural and rural development reconsidered. A guide to issues and debates*. IFAD Research Series, 1-58.

---

## Factors Affecting Multiplicity of Non-Farm Activities among Kavar Township Rural Households in the Fars Province

Ehsan Masoomi<sup>1</sup> and Dariush Hayati<sup>2\*</sup>

Submitted: 29 April 2017

Accepted: 2 January 2018

### Abstract

Non-farm economy is one of the newly presented concepts in rural development literature. Numerous studies have reviewed evidence and theories towards improving the concept of rural non-farm economy. However, there is not enough empirical studies in this field, especially in the developing countries. The aim of this study is to investigate factors affecting multiplicity of rural non-farm activities in the Kavar Township in the Fars province. Archival research was carried out for conducting this study as research method. Totally, 225 active rural households in various non-farm activities were selected using simple random sampling. The results showed that gender, annual household farm income, and the number of migrated members of household have a positive and significant effect on the dependent variable. The effect of benefiting from government loans on the number of non-farm activities was negative and significant. The prominent role of women in non-farm activities represents the importance of social and cultural dimensions of such activities. The results revealed that multiplicity of non-farm activities is not dependent on education. Therefore, it is not necessary to focus on education in development of rural non-farm activities. Some applicable recommendations have been presented at the end of the manuscript based on the research results.

**Keywords:** Non-farm economy, Rural development, Kavar township

---

1 - Ph.D. student, Department of Sustainable Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University

2 - Professor, Department of Sustainable Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University

(\* - Corresponding author Email: hayti@shirazu.ac.ir)

DOI: 10.22048/rdsj.2018.81841.1648